



تغییر چهره میلان با خاندان مالدینی



ترجمه: نوید صراف

Navid Saraf

کیفیت و اهمیت فوتبال خانوادگی موجود در فوتبال ایتالیا را در دیگر نقاط جهان نمی‌توان پیدا کرد. در ایتالیا در موارد بسیاری یک بازیکن موفق، پدر یک بازیکن موفق‌تر از خود بوده که همین امر به خوبی نشانگر این پیوند در ایتالیا است. بهترین نمونه برای این داستان خانواده مالدینی هستند؛ خانواده‌ای که نامش به مدت ۶۵ سال در «سن‌سیرو» شنیده می‌شود.

بسیاری از هواداران فوتبال چهره خشک و بی‌روح «چزاره مالدینی» را در جام جهانی ۱۹۹۸ همچون دیروز تازه و شفاف به یاد دارند. چزاره در فرانسه هدایت تیم ملی ایتالیا را برعهده داشت و کاپیتان این تیم کسی نبود جز «پائولو مالدینی» با استعداد؛ پسر چزاره. ایتالیا گرچه در این تورنمنت با شکست در مرحله یک‌چهارم نهایی برابر میزبان در ضربات پنالتی از دور رقابت‌ها کنسار رفت اما بسیاری دلیل اصلی این حذف را تاکتیک‌های منسوخ شده چزاره می‌دانستند و مدعی شدند ایتالیا با ارائه یک بازی مدرن می‌توانست فرانسه را حذف کند و به نیمه‌نهایی راه یابد.

جالب اینکه ۳۵ سال قبل‌تر و در ومبلی، چزاره کاپیتان و مهم‌ترین مهره تیم میلان در فتح نخستین عنوان قهرمانی خود در اروپا بود؛ روسونری با درخشش مالدینی پدر، به نخستین قهرمان خارج از محدوده شبه‌جزیره ایبریا تبدیل شد و در ورزشگاهی به تاج و تخت اروپا رسید که نمایانگر مکان تولد ورزش فوتبال است. در عصر چهارشنبه و در برابر دیدگان ۴۵۷۱۵ تماشاگر در ومبلی لندن، میلان پس از اینکه با گل «اوزه‌بیو» از بنفیکا – مدافع عنوان قهرمانی – عقب افتاد با دو گل «خوزه آلتافینی» به پیروزی ۲ بر یک دست یافت تا نخستین قهرمانی اروپایی خود را تجربه کند. آنها پنج سال پیش در فینال ۱۹۵۸ برابر رئال مادرید با «الفردو دی‌استفانو»، «ریموند کوپا» و «پاکو خنتو» شکست خورده بودند و از قضا چزاره در آن زمان هم عضو تیم میلان بود.

روسونری در فینال ۱۹۶۳ اما با پیراهن یک‌دست سفید خود با «جووانسی تراپاتونی»، «خوزه آلتافینی»، «دینو سانی» و البته کاپیتان «چزاره مالدینی» به جام قهرمانی رسید. افتخاری که تنها معطوف به درخشش آلتافینی نبود و چزاره نیز نقشی پررنگ در آن داشت. «نرئو روکو» – یکی از بزرگان کاتناچیو – سکان هدایت روسونری را در دست داشت و با اعتماد کامل به چزاره، او را ژنرال تیمش می‌دانست؛ کسی که بازی تیم را در میدان مدیریت و نقشه‌های روکو را پیاده می‌کرد. چزاره ۳۱ ساله پس از آن فینال سه فصل دیگر در «سن‌سیرو» ماند، به چهار اسکودتو و یک قهرمانی اروپا رسید و بعد از یک فصل بازی در تورینو زیر نظر روکو از فوتبال خداحافظی کرد.

در آن فینال، «جیانی ریورا» هم در لیست قرمز و سیاه‌پوشان میلان حضور داشت؛ ستاره‌ای که آخرین دیدارش در روسونری مصادف با نخستین دیدار «فرانکو

بارسی» در میلان بود، کسی که سال‌ها بعد با پائولو یک زوج مستحکم در خط دفاعی میلان تشکیل داد. میان آخرین دیدار چزاره و نخستین دیدار پائولو برای میلان بیست سال زمان است اما ارتباطات مشهودی بین آنها وجود دارد. «تیلز لیدهولم» هنگام دوران بازی چزاره، همبازی او در میلان بود و در ژانویه ۱۹۸۵ هم که پائولو ۱۶ ساله نخستین دیدار خود برای روسونری را انجام داد، در «سن‌سیرو» حضور داشت.

اما اگر بخواهیم سبک بازی چزاره را توصیف کنیم باید بگوییم او آرام بود و هنگامی که مالکیت توپ را در اختیارش داشت، از ظرافت خاصی بهره می‌برد. همین کیفیت بالایش او را با ایتالیا به جام جهانی ۱۹۶۲ شبیلی رساند. او در حفظ توپ مهارت داشت و بیشتر به عنوان لیبرو بازی می‌کرد اما در هر نقطه از خط دفاعی می‌توانست به میدان برود. تنها اشکال بازی او، اعتماد به نفس بالایش بود که گاهی منجر به لو دادن توپ و گلزنی حریف می‌شد که این مسأله انتقاد رسانه‌های کمال‌گرای ایتالیایی را به همراه داشت.

چزاره سال ۱۹۶۶ میلان را به عنوان بازیکن ترک کرد ولی کمتر از چهار سال بعد به عنوان دستیار روکو به باشگاه بازگشت. استاد و شاگرد این بار در میلان به عنوان سرمربی و دستیار کنار هم قرار گرفتند. با وجود اشتراک در محل تولد، روکو و چزاره به دلیل بیست سال تفاوت سنی، اختلافات تفکری و اخلاقی زیادی با یکدیگر داشتند. هر چند که به نظر تمام این اتفاقات آماده‌سازی مسیر بزرگی پائولو بود، کودکی که سال ۱۹۶۸ و هنگام دوری پدرش از میلان پا به جهان گذاشت.

چزاره در نهایت سال ۱۹۷۱ جانشین «مارینو برگاماسکو» به عنوان دستیار اصلی روکو شد و یک سال بعد با انتخاب روکو به عنوان مدیر فنی میلان، چزاره به سرمربیگری این تیم رسید. او در نخستین فصل سرمربیگری خود در میلان یعنی در فصل ۷۳-۱۹۷۲ جام قهرمانی رقابت‌های حذفی ایتالیا و جام برندگان جام اروپا را به آغوش کشید اما در سری‌آ ایتالیا در حالی که تا هفته پایانی صدرنشین بود، قهرمانی را از دست داد. روسونری فصل بعد را با امیدواری زیاد کلید زد اما در سوپر جام اروپا پس از برتری یک گله در دیدار رفت، در دیدار برگشت با شش گل مغلوب آژاکس شد. در ادامه فصل هم با وجود صعود به فینال جام برندگان جام اروپا، شرایط مطابق میل شان پیش نرفت. سرخ‌های شهر میلان برابر آبی‌های شهر ۵ بر یک باختند و دوران چزاره با پنجمین شکست متوالی در سری‌آ برابر ورونا به پایان رسید تا «جووانی تراپاتونی» – همبازی سابقش – به صورت موقت جانشین او شود. البته میلان با تراپاتونی هم در فینال اروپا مقابل ماگدبورگ آلمان شکست خورد و نتوانست از عنوانش دفاع کند.

پس از کار در فوجیا، ترنانا و پارما؛ چزاره به کادر فنی تیم تحت هدایت «نزو بیارزوت» ملحق شد. در همان روزها پائولو مراحل رشد خود را در آکادمی میلان طی می‌کرد. او خیلی زود به ترکیب روسونری رسید و در فصل ۸۵-۱۹۸۴ برابر اودینزه، برای نخستین بار در سری‌آ به میدان رفت. هر چند این دیدار تنها حضور پائولو در آن فصل از رقابت‌ها بود اما مالدینی فصل آینده توفان به پا کرد و کیفیت واقعی

خود را مقابل دیدگان میلیون‌ها فوتبال‌دوست به تصویر کشید. او به حدی فوق‌العاده بود که باور اینکه او تنها ۱۸ سال داشت، امری سخت می‌نمود. میلان در آن سال‌ها هنوز تحت مالکیت «سیلیو پرلوسکونی» قرار نداشت؛ تیمی که با قهرمانی اروپا فاصله گرفته بود و رسوایی «توتونرو» – تبانی در نتایج دیدارها – جریمه و سقوط به سری B را برایشان در پی داشت. حتی بازگشت میلان به سری‌آ نیز خوشایند نبود و در پایان فصل ۸۲-۱۹۸۱ روسونری باز هم به سری B سقوط کرد. در آن روزها کسی تصور نمی‌کرد این تیم در آغاز راه خود برای رسیدن به پرشکوهرترین دوران تاریخش باشد!

سوار بر ماشین زمان به ۲۸ فوریه سال ۱۹۹۳ سفر می‌کنیم؛ جایی که میلان قدرت مطلق اروپا و ایتالیا بود. روسونری مدافع عنوان قهرمانی، در راه تکرار عنوان خود قرار داشت و در هفته بیست‌ویکم سری‌آ میزبان سمپدوریا بود. در دقیقه ۲۷ مسابقه و در حالی که نتیجه مسابقه یک بر صفر به سود میلان پیگیری می‌شد، حاضران در «سن‌سیرو» به تماشای هنرنمایی‌های مالدینی جوان نشستند. او خود را به یک توپ مرده رساند و با بیرون پای چپ، توپ را برای «جیانلوئیجی لنتینی» مهیا ساخت تا ارسال لنتینی با ضربه سر «ژان پیر پاپن» به گل دوم میلان تبدیل شود. روسونری در نهایت در آن جدال با چهار گل به پیروزی رسید تا پنجاه‌وششمین بازی بدون شکست خود در سری‌آ را – که از مه ۱۹۹۱ شروع شده بود – پشت سر بگذارد! میلان در پایان فصل با هدایت «فابیو کاپلو» به عنوان جانشین «آریگو ساسی»، اسکودتو را فتح کرد اما در فینال لیگ قهرمانان اروپا مقابل مارسی ناکام و دستش از کسب قهرمانی کوتاه ماند اما سال بعد جبران مافات کرد؛ کسب سومین قهرمانی پیاپی در ایتالیا که با قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا آن هم با تحمیل شکست چهار گله به بارسلونا تحت هدایت «یوهان کریوف» تاج‌گذاری شد.

قهرمانی در فینال سال ۱۹۹۴، پس از سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰، سومین قهرمانی پائولو در اروپا با میلان به حساب می‌آمد. ضمن اینکه در ادامه دوران بازی‌اش در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷ هم با پیراهن روسونری به این عنوان رسید. در حقیقت میان نخستین و آخرین قهرمانی پائولو در اروپا، ۱۸ سال فاصله قرار داشت که او در تمام این مدت به عنوان بازیکن فیکس میلان به میدان رفت. امری که نشانگر سطح بالا و کیفیت فنی مدافع خوش‌سیمای ایتالیایی است. پائولو با هفت اسکودتو از پدرش نیز پیشی گرفت تا موفقیت‌هایش روی کارنامه چزاره سایه بیندازد.

مالدینی پدر تنها ۱۴ بازی ملی در کارنامه‌اش می‌دید ولی مالدینی پسر ۱۴ سال متوالی پیراهن آتزوری را بر تن کرد. چزاره تنها در یک جام جهانی حاضر بود که در همان حضور نیز با حذف از مرحله گروهی به ایستگاه پایانی رسید اما پائولو در ۱۲۶ دیدار ملی خود در چهار جام جهانی و سه جام ملت‌های اروپا به میدان رفت که در هر تورنمنت نیز به یک نایب قهرمانی دست یافت. نکته قابل توجه اینکه در سال ۱۹۹۸، پائولو سومین جام جهانی خود را در حالی تجربه کرد که پدرش به عنوان سرمربی آتزوری روی نیمکت می‌نشست.

چزاره در جام جهانی ۱۹۸۶ دستیار «اتزو بیارزوت» در تیم ملی ایتالیا بود اما پس از جدایی او و روی کار آمدن

«آلویو ویچینی» پس از تورنمنت، چزاره سکان هدایت تیم جوانان ایتالیا را به دست گرفت و یک دهه در این پست به فعالیت پرداخت. کسب سه قهرمانی جام ملت‌های جوانان اروپا افزایش اعتماد مسئولان فدراسیون فوتبال ایتالیا را در پی داشت و به این ترتیب او در سال ۱۹۹۶ به عنوان جانشین ساسی، روی نیمکت تیم بزرگسالان آتزوری نشست. شاید ذکر این نکته خالی از لطف نباشد که بدانید در تیم جوانان ایتالیا که به قهرمانی جام ملت‌های جوانان در سال ۱۹۶۶ دست یافت، چزاره بازیکنانی را به فوتبال ایتالیا معرفی کرد که ده سال بعد آتزوری را به قهرمانی در جام جهانی ۲۰۰۶ رساندند.

با شروع رقابت‌های انتخابی جام جهانی ۱۹۹۸ همکاری پدر و پسر شروع شد؛ پائولو از سال ۱۹۹۴ بازوبند کاپیتانی تیم ملی را بر دست می‌بست و حالا پدرش نیز سکاتدار تیم ملی کشورش شده بود. اتفاقی که هنوز در تاریخ سطح اول فوتبال جهان تکرار نشده است.

ایتالیا اما در فرانسه ۱۹۹۸ موفق نبود و در مهم‌ترین دوران سرمربیگری چزاره، نه «آلساندرو دل‌پیرو» زهر لازم را داشت و نه «روبرتو باجو» تا آتزوری بدون لمس موفقیت به خانه بازگردد. همین امر راه چزاره و تیم ملی کشورش را به دوراهی رساند و چزاره بازگشت به میلان را برگزید؛ این بار به عنوان استعدادیاب. با این وجود میل به مربیگری در چزاره فروکش نکرد و مدتی حتی به شکل موقت هدایت روسونری را برعهده گرفت و در دربی شهر میلان سال ۲۰۰۱، اینتر را با گل در هم شکست.

چزاره بار دیگر در سال ۲۰۰۲ به عنوان سرمربی این بار با تیم ملی پاراگوئه در جام جهانی حاضر شد. حضوری که با آخرین جام جهانی دوران بازی پائولو همراه شد تا پدر و پسر با هم آخرین جام جهانی‌شان را تجربه کنند. البته پائولو پس از خداحافظی از تیم ملی ایتالیا تا هفت سال دیگر به روسونری خدمت کرد. باید به صراحت اعتراف کنیم که عدم دستیابی او به جام با آتزوری تنها به بدشانسی ستاره بازی‌میش گشت. پائولو سال ۱۹۹۴ در فینال جام جهانی آمریکا مغلوب برزیل و در یورو ۲۰۰۰ مغلوب فرانسه شد؛ شکست در فینال اول با ضربات پنالتی و شکست در فینال دوم با گل طلایی! دو ناکامی بی‌رحمانه و از روی بدشانسی.

مالدینی پسر سرانجام در پایان فصل ۰۹-۲۰۰۸ با فتح عناوین بسیار قهرمانی از جمله پنج قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا، تصمیم به خداحافظی از فوتبال گرفت و کفش‌هایش را به دیوار آویخت اما مگر این خانواده می‌تواند از فوتبال و میلان دور باشد؟ پائولو حالا مدیر ورزشی روسونری است و علی‌رغم بی‌تجربگی در این سمت، قصد دارد تیم محبوبش را نجات دهد. آن هم در حالی که «کریستیان» و «دنیل» – دو پسر پائولو – همزمان در تیم جوانان میلان توپ می‌زنند. کریستیان حالا نسبت به پدرش در زمان نخستین بازی‌اش سن بیشتری دارد و به همین جهت بسیاری به دنیل امید بیشتری دارند تا جاکو پای پدر و پدربزرگ فقیدش بگذارد.

تصور میلان بدون یک مالدینی سخت است تا حدی که در روز خداحافظی پائولو پیراهن شماره ۳ بازنشسته شد و تنها زمانی از بازنشستگی بیرون می‌آید که یک مالدینی دیگر به تیم نخست برسد.